



۲۰۱۳/۰۱/۰۸

دوکتور محمد اکبر یوسفی

تحریف و جعل تاریخ جفاء و اهانت به انسانیت است!

(بخش پنجم)

آنچه ما در تحت نام «تاریخ» می‌خواهیم جمع‌بندی نماییم، بمفهوم عام آن، وقایع و رویداد های اجتماعی مربوط حیات انسان و ماحول طبیعی آن نیز شامل اند که دقیقاً واقع شده و از جانب انسانها درک و ثبت گردیده باشد. هر تحول و شناخت بشر در تابعیت با زمان جز تاریخ است. یکی از دشواری ها ممکن در آن نهفته باشد که ما از تاریخ، ممکن یک رشته نازک از رویداد ها را که فقط با «زاماداران» و «شاهان» مرتبط بوده می‌تواند، در نظر می‌گیریم و آنرا بنام تمام جامعه یاد می‌کنیم. شناخت عمیق و وسیع از سائر مناسبات و گذشته روشن، بشمول حوادث طبیعی که ممکن در ساختار بعدی هم نقش داشته بوده باشد، کمتر یا و بکلی نا دیده می‌گیریم. اگر با کلمات بازی نشود بعنوان مثال یکی علم تاریخ است، دیگری تاریخ علم است. به همین ترتیب می‌توان از فلسفه تاریخ و تاریخ فلسفه هم نام برده شود. بناءً در هر ساحه علمی، توجه به اصطلاحات لازم علمی ضرور است.

زیرا توضیح هر پدیده از هر زاویه دید، نیازمند تعاریف قبول شده می‌باشد، که در جمع «ترمینولوژی» قرار دارد. رشد و انکشاف علوم «مثبت» هم می‌تواند در تابعیت با زمان مطالعه شود، لهذا یک نوع تاریخ خود را می‌داشته باشد. با اختراعات و انکشافات تکنیکی بطور مثال، بشر، در یک لحظه دست نیافته است، بناءً باید در تاریخ، ثبت گردد، تا معلومات دقیق ضایع نگردد. وقتی اگر بطور مشخص وقایع سیاسی و حوادثی که بمثابة خطر در برابر زندگی و یا یک نوع دستاورد در نظم اجتماعی مطرح بحث باشد، چه خوش آیند باشد و چه غم انگیز، باید، بدون تحریف پذیرفته شود. دستاورد علمی برای بشریت، موقف گروهی نمی‌داشته باشد. وقتی اگر از مثال دیگری چون «تاریخ دول» در حیات بشر یاد آور شویم، بدون کمک علمای بخش «حقوق و علوم سیاسی»، نمی‌توان، بدرستی به «حقیقت» آشنا شد.

طوریکه خوانندگان محترم خود ممکن دیده باشند که در «چهار بخش» قبلی این عنوان، حتماً موضوعات از نگاه «زمانی» بطور «کرونولوژیک» تذکر نیافته است، بلکه در پهلوی تکرار احسن، موضوعات از روی مفهوم و محتوای آنها گاه گاه دوباره در متن دیگری ارائه شده است. باید اعتراف صورت گیرد، که تبصره های نویسندگان در دریچه «نظر سنجی» «پورتال افغان جرمن آنلاين» هم، بی اثر نبوده است، ولی آنچه را که اینجانب، یعنی متصل شدن به شیوه «جدال تبلیغی» را، بجای بحث های «ممکن علمی»، «ترجیح» نمی‌دهم، این برداشت بعلمی است که انسان را کمتر به نتیجه گیری خونسردانه، بنفع عموم می‌رساند. تبادل هر گونه برداشت «ذهنی» فرد یا «افراد»، حتماً بمعنی علمی بوده نمی‌تواند، در صورتیکه بدون «ذکر» منبع و ذکر اولین گوینده ارائه گردد. اینجانب همواره از خود می‌پرسم که آیا تاریخ «تخیلی» مورد قبول خواهد بود؟

تاریخ نویس بخش حوادث اجتماعی سیاسی، باید، با دقت لازم آنچه را، که صورت پذیرفته است، یادداشت نماید، نه کم و نه زیاد. تحلیل و ارزیابی علل وقوع حوادث، در وقت و زمان وقایع توسط دانشمندان عصر و زمان بهتر صورت گرفته می‌تواند. در عین حال وقتی «فکت ها»، با حفظ تسلسل وقوع حوادث بدرستی ثبت شده باشد، می‌تواند، در آینده نیز بر مبنای همان «فکت ها» تحلیل های علمی نیز صورت گیرد. وقتی از تحلیل «علمی» سخن گفته می‌شود، هیچگاهی یک «حکم قطعی» و «آمرانه» نه، بلکه بر مبنای تعقل و «منطق» یک «تقرب نسبی» را

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولۍ

به «حقیقت» موضوع، که همه در جست و جوی آن می باشند، افاده می نماید. کمبود معلومات و موجودیت تضاد در محتوای «اسناد» مختلف و توضیحات شامل آن، اعتبار همچو «سند تاریخی» را متزلزل می سازد. درباره عین واقعه، تحلیل و ارزیابی باید بر «فکت های تلخ» و هم بر رویداد های خوش آیند وقت استوار باشد.

جای شک نیست که بشریت در مجموع و جوامع مختلف در قاره های امروزی، حتماً از «فقدان» معلومات در باره گذشته تاریخ خود فارغ نمی باشند. به یقین که در قطار جوامع «پیشرفته»، هیچ کشور و هیچ نویسنده متمایل نیست، که «تاریخ» جامعه و کشور خود را ذهنی بسازند و «داستان» مانند، بحیث «تاریخ» حقیقی جامعه خود ترتیب دهند. جوامع پیشرفته ساحات مختلف «علمی» و «تخنیکی» را طوری انکشاف داده اند، که اگر از رویدادهای «حقیقی»، معلوماتی در اختیار نداشته باشند، می کوشند، تصویر ممکن را بعنوان مثال از روی تجزیه و تحلیل آثار «باستان شناسی» و «ارکیالوژی» استحصال نمایند. نتایج علمی آنها، عمدتاً فارغ از هرگونه «قضایات ذهنی و تمایلات فردی» می باشد، بدین سبب است که خوانندگان چنین متون تحریری، علاقمند از تمام «طیف های» جامعه وجود می داشته داشته باشد، چنین حقایق شامل مواد درسی و تعلیمی، مکاتب رسمی کشورهای ایشان نیز می گردند. وقتی به کتب تاریخی چاپ شده کشور ما، که عده کثیری از نویسندگان ما، متونی را از آن منبع «رونویس» می کنند، در عین حال متذکر می گردند که همه از «سراج التواریخ؟» گرفته اند. حال اگر «سراج التواریخ» بحیث یک «کتاب مقدس» قبول شده باشد، باید از آن مشابه با «تورات»، «انجیل» و «فرقان»، بدسترس همه اتباع گذاشته شود. همه آنچه «در خط» است، بلاغی بر همه تحمیل گردد. آیا واقعاً چنین یک طرز دید معقول است؟ آیا وقایع تاریخی کشور ما را دیگران هم مشاهده نموده اند؟

اما در جمله وقایع و حوادث، آنچه در حیات انسانها و جوامع آنها صورت می گیرد، مقدم بر همه در نظر گرفته می شود، بهمین سبب است که توجه بیشتری «تاریخ» رشد و تکامل بشر صورت گرفته است. البته در پهلوی رشد و تکامل جوامع انسانی، در عین زمان توجه انسانها را، «تاریخ طبیعت» نیز بخود جلب نموده است. بتدریج بنا بر تراکم «معلومات» بخش های مختلف دیگر نیز، بعنوان تاریخ موضوعات در جمع «گنجینه علمی» افزود می گردیده است. مراحل مختلف رشد و تکامل انسان، نشان می دهد که در آغاز «قهر» طبیعت در حقیقت بعنوان «دشمن» و خطر در برابر حیات آنها بوده است، ولی با گذشت زمان، جوامع انسانی یکی در برابر دیگری، بمتابزه «دشمن» قد علم نموده اند، عوامل می تواند متفاوت و چندین جانبه بوده باشد، لیکن به حیات بی شمار انسانها هم خاتمه داده اند. در یکی از برنامه های تلویزیونی آلمانی، نمونه ای از «لشکر کشی ها» بین «پارسی ها» و «یونانی ها» نام برده شد، که در یک «برخورد» گویا بیش از ۶۰۰۰ عسکر یا جنگی «پارسی» کشته شده، بالمقابل از تلفات «یونانی ها»، تعداد نزدیک به ۲۰۰ نفر تذکر داده اند. تخنیک جنگ آنزمان را نمی توان با قرون بعدی، مقایسه نمود. بخصوص وقتی امروز، طیارات «بی پیلوت»، بحیث سلاح جدید «جنگ» شامل «زراد خانه های جنگی» گردیده است. در روند حوادث بتدریج پدیده های جدید بوجود آمده است. بدون شک اساس انگیزه ها را، دریافت «حل معضلات» تشکیل می داده است. حل یک «مسئله» حتماً تضمینی برای عدم بروز معضلات مورد اختلاف دیگر در آینده نبوده است. قوانین و توافقات و همچنان «فلسفه زندگی»، شناخت از انسان و طبیعت بتدریج در تنظیم زندگی کمک نموده است. یکی از دانشمندان، زمانی در خصوصیات انسان موجودیت «قوت تخریبی» و «هم قوت سازنده» تذکر داد، ولی منابع کافی در دست نیست، که آیا در همه انسانها، چنین خصوصیت یکسان جای گرفته است و یا تفاوت هم می داشته باشد. چنین تشخیص، حتماً ایجاب تحلیل و مشاهدات طولانی علمی می نماید.

در طی قرون طولانی، پس از اختراع «القباء» در تاریخ بشر، انکشاف «سواد» خواندن و نوشتن، «ذخیره آگاهی» و معلومات، بشمول نقش در «اداره اجتماعات» تحت حاکمیت «نظامیان» و «حکمرایان» که خود را «فاتح» می نامیدند، در «انحصار روحانیون» و «مأموران دربار ها» قرار داشته است. تشکل گروه های مختلف از

د پانو شمیره: له ۲ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

«قدرتمند» گرفته تا «نخبه‌ها» و غیره دارای ریشه‌های عمیق تاریخی می‌باشند. با گذشت زمان از یکطرف و تغییرات بنیادی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع، بتدریج «انحصار» معلوماتی از حلقات و محافل «حاکم» و «نخبه» و غیره، در جمع عوام جوامع راه می‌یافت. مراحل مختلف، درین جهت گذشت.

انقلاب‌های اجتماعی بقیمت خونریزی‌ها هم بوقوع پیوست. ادیان و مذاهب و معتقدات بی‌شمار در اجتماعات راه یافت و فرهنگ‌ها و شیوه‌های مختلف زندگی را سازمان بخشید. ایجاد «مکاتب»، «یونورستی‌ها» و «مدارس» و انواع «مؤسسات» آموزشی، نسل‌هایی از دانشمندان را «پرورش» داد. تعلیمات عمومی مردم «عوام»، در «پروسه‌ی مدرنیزیشن»، بخصوص در بروز «انقلابات اجتماعی»، نسل‌های نوینی را رشد داده، تمدن بشری بمدارج عالی‌تر قدم گذاشت. ساحات علوم غنای روز افزون کسب نمود. وجوه مشترک در بین تمام اجتماعات مختلف ایجاد گردید. مراکز تمدن‌های بی‌شمار همیشه در یک نقطه جهان نبوده است.

جوامع بشری، بخصوص اجتماعاتی که به اهمیت و نقش «علم و تخنیک» فهمیده بودند، برای رهنمائی جوامع و استفاده از تجارب گذشته، در بخش‌های مختلف، متخصصان «نخبه» در تعلیم گاه‌ها و مؤسسات مربوطه تربیت می‌دیدند. در ختم تحصیلات نسل جوان و کاندید هر موضوع، امتحانات معین را مقرر داشتند. تا قبل از «تخنیک معلوماتی»، کتاب‌خانه‌های بی‌شمار در حفظ منابع معلوماتی، برای حفظ «ذخایر علمی» تأسیس گردید. بتدریج راه‌های تبادل این چنین ذخایر علمی بین جوامع انکشاف یافت و مناسبات معین برقرار گردید. در جوامع «عنعنوی» عقمانده که در مقایسه، سواد خواندن و نوشتن خیلی «نازل» بوده‌اند، امکان آموزش عمدتاً در «انحصار» فامیل‌های «محدودتر» بوده، الی‌زمان تأسیس «مؤسسات آموزشی» دولتی، مطالعات اکثراً «شوقی» و متناسب با امکانات «فرد» بوده است. کلمات «استاد» و «پرستیژ» در آنزمانیکه حتی شخص با «سواد» در جامعه‌ی ما «بندرت» دیده می‌شده است، ورد «زبان» مردم گردیده است.

آنچه باید گفته شود اینست که بشریت با تراکم بیحد معلومات و آگاهی‌ها، دربخش «ذخیره» آن، به مشکلات روبرو بوده است. با تولید کاغذ و اختراع هنر «چاپ» کتب، بعد از مدتی، درجستجوی «میدیا‌های» متعدد گردیدند. برای یادآوری، بطور نمونه زمانیکه «فاتحان اسلامی عرب» در «آسیای میانه» بر قشون «چین» غالب شدند، صنعت و هنر «چاپ» را از «اسیران چینی» آموخته‌اند و در عمل پیاده نموده‌اند. (منبع: «انترنت») زمانیکه «تخنیک» جدید معلوماتی و یا «میدایای الکترونیکی» بوجود آمد، انسانهای «آگاه» درک نمودند، که «معلومات زیاد، معلومات نیست» این بدان معنی است، که معلومات در آنوقت «مؤثر» می‌باشد، تا مطالب ضروری، در وقت ضرورت، تصفیه شده و «خلص» دراختیار قرار گیرد. برای این منظور «بانک‌های معلوماتی» با «پروگرام‌های» جست و جو انکشاف داده شده است. علم آهسته آهسته از «انحصار» افراد، رها یافته، توده‌های وسیع مردم، برای دریافت معلومات، امکانات لازم را دراختیار می‌داشته باشند.

شرایط کنونی و امکانات دسترسی به منابع معلوماتی و علمی، برای هر انسان امکان آنرا می‌بخشد، تا آنچه رامطالعه نماید که علاقمند است و در خود توان و قابلیت تحلیل و ارزیابی را می‌بیند. وقتی به صفحات تاریخ نظر می‌اندازیم، یکی سلسله حکایات و تشریحات وقایع، به اصطلاح «سناریوی حوادث» و «کرونولوژی» هاست، که در زبانهای مختلف و از جانب نویسندگان مختلف، با تمایلات متفاوت، تحت عناوین وقایع «تاریخی» تحریر گردیده‌اند. آنچه در حیات انسان همچنان از اهمیت خاص برخوردار بوده می‌تواند، شناخت و درک «پدیده‌ها» و توانمندی تحلیل پیوند‌های قانونمند همان پدیده هاست، که می‌تواند، بمثابه، رهنمود برای آینده بشریت نقش داشته باشد.

د پانوی شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

حال وقتی به گذشته حوادث کشور ما و مناطق اطراف آن مرور کوتاه نمائیم، منابع مختلف، معلومات بدست می دهد که بخصوص مخالفین آنوقت «برتانیه»، از تلاشهای «کمپنی شرقی»، که از سال ۱۶۰۰م، بیعد جای پای برای خود، «نخست در بخش اشغالی «پورتگالی ها» دریافت داشت، بعد بتدریج و در مراحل مختلف، نیم قاره هند را، با استفاده از طرق مختلف، منجمه «پرداخت سبسادیدی ها و معاشات» به «پادشاهان محلی» چون «راجا ها» و از طریق «ایجاد اردوی اجیر» و غیره تحت «تصرف» در آورد، موضوع «نهایت مهم» نزد «برتانیوی های کلونیالیست» مصئون «نگهداشتن» نیم قاره هند بوده است، که دفع خطرات نفوذ از سمت «غرب»، یعنی «دره خیبر»، از نقاط مهم شمرده می شده است. درینجهت از همان آغاز کسب نفوذ و تسلط بر نیم «قاره» هند، متوجه اوضاع افغانستان، ایران و آسیای میانه عمدتاً و در قدم اول در امر «کنترول» تلاش های «قدرتمداران روس» بوده اند.

«وارتان گریگوریان»، تحت عنوان «امپریالیزم اروپائی و جنگ های افغان و انگلیس»، مشابه با «منابع آلمانی»، موضوع «اشغال مصر را توسط «نابلیون» در سال ۱۷۹۸م، (پنج دهه بعد از تأسیس دولت «پادشاهی افغانستان»)، از باز شدن صفحه «جدیدی» در تاریخ افغانستان، یاد نموده است. متذکر می شود که قریب یک قرن پس از آن، افغانستان در شبکه رقابت های اقتصادی و سیاسی قدرت های بزرگ اروپائی افتاده است. پلان های اعلان شده، «نا پیلون» در قسمت «شرق»، و روابط با «پاول»، تزار روس و سائر اظهارات در رابطه با اشغال «هند»، جانب برتانیه را نا آرام ساخته است، منشاء تمام حرکات بعدی «برتانیه» در رابطه با افغانستان و ایران شناخته شده است، که در بخش چهارم از آن یاد آوری بعمل آمده است. گریگوریان به ادامه می نویسد که با مرگ «پاول»، «پلان» تغییر یافت، زیرا «تزار جدید روس الکسندر» جای نشین «پاول»، پلان را رد نمود، اما «نابلیون»، آنرا از نظر دور نداشته، به تنهایی، نیات خود را در رابطه با «اشغال یکجانبه هند» اظهار داشته است. (گریگوریان، فصل چهارم، صفحه ۹۱)

حکومت برتانیه و «کمپنی هند شرقی» در ارتباط با «طرح ها» و نقشه های فرانسه در خصوص هند و راه تجارتي «هند - مدیترانه» عکس العمل را در دو جهت نشان داده است. (همانجا)

اول: به مطالعات مفصل در باره منطقه درجوار هند، بشمول «پارس»، «افغانستان» و «آسیای میانه» آغاز نموده اند، که بقول گریگوریان از آن چشم پوشی صورت می گرفته است*، درین زمینه مشی طویل المدتی را فورمولبندی نمودند، تا در برابر هر گونه خطر، از منافع خود درین ساحه، دفاع نمایند.

مؤلف کتاب در «پای ورقه» در صفحه ۹۳ کتابش، چنین «نقل» می کند: «* «اچ. دبلیو. سی. دیویس» H. W.C. Davis» (صفحه ۳۰) شرح می دهد که به «مهدی علی خان» (Mehdi Ali Khan)، «اجنت» «کمپنی هند شرقی» در «پارس» و وظیفه داده شده بود، تا نزاعی را بین دربار «پارس» و «شاه زمان» تحریک نموده جنگ داخلی را در افغانستان براه اندازد. این امر هم روزنامه ها و هم «کمپنی شرقی هند» آشکار می سازد که «شاه پارس»، از جانب «مهدی علی خان» متقاعد گردانیده شده بود، تا «برادر خیانتکار» شاه زمان را، برای رهبری یک شورش علیه زمامدار افغانستان تحریک نماید. (ذکر منابع در صفحه ۹۳). در روشنی دسایس مؤفانۀ «مهدی علی خان»، «جان مالکولم»، فرستنده مخفی برتانیه به تهران، در سال ۱۸۰۰م، می نویسد: «به رضایت خداوند، او [شاه زمان] می خواهد بری چند سال آینده، همچنین در بین محل خیلی مصروف خواهد ماند، که به فکر دیگر [حرکت] نخواهد بود.» (همانجا)

دوم: طوریکه «گریگوریان» می نویسد: «حکمران عمومی برتانوی در هند، «لارڈ مارتننگتون» (بعد از آن «مارکیس ویلیسلی»)، با همکاری «کمپنی هند شرقی»، به خنثی ساختن نفوذ فرانسه در هند مبادرت ورزیدند.

د پانوی شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلینکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

«تیبو سلطان»، زمامدار طرفدار فرانسه را در میسوری از مقام برطرف نموده در عین حال در جهت ارزیابی نفوذ فرانسه در «خلیج فارس» به اقداماتی متوصل گردیدند. درین رابطه، «کمپنی برتانوی هند شرقی» به کنترل و رهبری مناسبات «خارجی» در «مسقط»، در شبهه جزیره عرب نائل آمد. «ویلیسلی» همچنان در جست و جوی جلوگیری «اشغال هند» توسط شاه زمان، حکمروای افغان بوده است. بطور جداگانه، برتانوی ها، بیم از آن داشته اند، که حمله افغانها بر هندوستان (از نگاه سیاسی از دید آنها ضعیف بوده است)، ممکن مسلمانان هند را برای احیای دوباره قدرت مغل یا دوباره برقراری حاکمیت افغان، در «پنجاب ستراتیژیک» باعث شود. چنین یک حالت ممکن است بمثابة یک پایگاه برای فعالیت های فرانسه استفاده شود. («گریگوریان»، صفحه ۹۲)

نباید از نظر دور داشت، که چندی بعد، برادر شاه زمان، که بنام «شجاع الملک» نیز یاد شده است، در یک وقفه زمانی نه «چندان» دور، در شرایط مناسب تر بنفع برتانیه، عمل نموده است. چنین خطری را که برتانیه از «شاه زمان»، بیان داشته است، از او احساس نمی نموده اند، صرفنظر از آنکه، بعداً صاحب نظران «انگلیس»، انتخاب «شاه شجاع» را بحیث «شریک مشی» آنها، یک اشتباه دانسته اند. «امیر دوست محمد خان» را بیشتر بنفع خود ارزیابی نموده اند، در صورتیکه از همان آغاز، بجای شاه شجاع، با او مناسبات را تعمیق می بخشیدند، پس وقوع «سه جنگ» در تاریخ مناسبات دو کشور، احتمال زیاد نمی داشت.

ادامه دارد

د پانو شمیره: له ۵ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ